حل اشکال با توجه به معنای اختیار القرائه و منشأ تواتری اختیارات قراء

> إلا أن یقال إن کل واحد من السبعة ألف طریقته من متواترات کان یعلمها الآخر لکنه اختار هذه دون غیرها من المتواترات لمرجح ظهر له کالسلامة من الإمالة و الروم و نحو ذلک فطریقته متواترة و إن لم تکن الهیئة الترکیبیة متواترة و بذلک حصل الاختصاص و الامتیاز[1]

«**إلا أن یقال**»؛ از جاهای طلائی و از جاهایی است که مثل قمر در عبارات ایشان، همین «الا ان یقال» ایشان است. مطلب خوب و درست و موافق با واقع است. همین «الا ان یقال» ایشان در جواهر آمده که بعداً برای شما میخوانم.

«الا ان یقال إن کل واحد من السبعة ألف طریقته من متواترات کان یعلمها الآخر»؛ قرائت نافع را عاصم هم میدانست. همه آنها میدانستند. اینها متواترات بود. عاصم مختار خودش در قرائت را از متواترات انتخاب میکرد. مختار عاصم عین مختار نافع نبود. به اصطلاح اختیار القرائه ای است که کاملاً از اذهان ما نامأنوس بود.

«لکنه اختار»؛ زیر این «اختار» خط بکشید. هر چقدر راجع به این تأمل کنید که مراد از اختیار در زمان قرن دوم را به دست بیاوری جا دارد. بهخاطر اینکه ذهن ما کاملاً با آن نامانوس است. عرض کردم شادی حکمت عبارت اول ابن مجاهد را میآورد و میگوید ابن مجاهد گفته «اختلف الناس فی القرائه کما اختلفوا فی الآثار»، پس معلوم میشود ابن مجاهد یکی از آنها را قرآن می دانسته. گویا اصل بقیه مقدمه ابن مجاهد را نخوانده است. منظور او که تشبیه در این نیست. از اشتباه در عبارت ابن مجاهد یک کتاب نوشته است. الآن هم چاپ شده. درحالیکه ابن مجاهد اصلاً این را نمیگوید. دنبال آن را هم بخوان. «کما اختلف فی الآثار» را توضیح میدهد. لذا ابن جزری و غیر او همه تصریح میکنند که فرق اختیار القرائه با فتوای فقها این است: وقتی فقها اختلاف میکنند حرف یکی از آنها درست است، اما وقتی قراء اختلاف میکنند حرف همه آنها درست است. این تصریح اهل فن است. پس مختار یک قاری با مختار دیگری منافات ندارد. اختیار در آن زمان اصطلاحی بوده که جا افتاده بود و همه میفهمیدند که چه میگویند.

لذا است که ایشان میگویند: **«لکنه اختار هذه دون غیرها من المتواترات»؛** این اختیار بین آنها رسم بوده. ما باید بفهمیم که این اختیار بین آنها چه بوده. آن اختیار نزد آنها چه بوده؟« **لمرجح ظهر له کالسلامة من الإمالة و الروم و نحو ذلک**»؛ قرائت او متواتر بوده اما این را نداشته.ابن جزری گفت اختیار انس ای موانسة و حال آنکه اینها هم درست نیست. اینها را برای

توضیحش گفته‌اند. و الا درواقع حرف قرطبی درست است.

قرطبی در مقدمه تفسیرش حرف درستی را می‌زند و می‌گوید همین قراءِ سبعه خودشان چند مختار دارند. حرف خیلی درست است. آن چه که مطابق واقع است همین است. این جور نبود ما که الآن می‌گوییم قرائت عاصم، تنها اختیار الانس و المواانسه باشد. در اقرائی که نسبت به حفص و ابن شعبه داشت، اینها مطرح بود. عاصم سی شاگرد داشت. اینها مختارهای مختلفی داشتند. قرطبی درست می‌گوید. این جور نیست که بگوییم هر کدام از سبع تنها یک مختار داشتند. این حرف با واقعیت وفق پیدا نمی‌کند.

«**فطریقته متواترة و إن لم تکن الهیئة الترکیبیة متواترة**»؛ هیئت ترکیبیه یعنی اختیار او با آن تبحری که داشته. این هم قبول نیست. یعنی حتی اگر در آن زمان مختارهای او را هم می‌دیدید، مختار او به نحوی در بستر جامعه بود؛ شاگردان از او گرفته بودند و در خصوص آن، اسم از او می‌بردند.«**و بذلک حصل الاختصاص و الامتیاز**»؛ که گفتیم قرائت عاصم است.

---

[1]همان

بازبینی #2
ایجاد شده 27 آوریل 2024 12:32:22 توسط ... .
به روزرسانی شده 3 ژوئن 2024 13:56:34 توسط ... .